

ایران پس از انقلاب اسلامی

جلد دهم

رویدادهای تابستان ۱۳۶۰

سید روح‌الله امین‌آبادی



خبرگزاری فارس
FARES NEWS AGENCY

سازمان آموزش و پژوهش
اداره کل پژوهش

حق چاپ برای ناشر محفوظ و هرگونه استفاده از مطالب کتاب منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است

مقدمه

با استعانت از خداوند تعالی، بی مثالی، ربوبی مجموعه «ایران پس از انقلاب اسلامی» به جلد دهم و تابستان ۱۴۱۰ در میاید. در این مدت توانسته‌ایم تاریخ کشورمان را از روز نخست پیروزی انقلاب تا کوه‌های اسلام‌گرایان تا پایان سال ۱۳۵۹ مرور کرده و مهم‌ترین تحولات این دوره حساس را با روایت منابع دست اول از جمله مطبوعات آن روزها و خاطرات رجال و شخصیت‌های اثرگذار بازخوانی کنیم. به سنت پیشین در مقدمه، مهم‌ترین رویدادهای دره‌های که این مجلد بدان اختصاص دارد را مرور می‌کنیم.

تیرماه ۱۳۶۰ در حالی شروع شد که ابوالحسن بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهور ایران با رأی قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی فاقد کفایت سیاسی تشخیص داده شده و با حکم امام خمینی از این سمت برکنار شده بود. در همان روزها منافقین علیه جمهوری اسلامی اعلام قیام مسلحانه کرده و هواداران این گروهک به خیابان‌ها ریخته و در جنایاتی بی‌نظیر ده‌ها نفر از غیرنظامیان و مردم عادی را در کوچه‌ها و مرعی و منظر مردم به شهادت رساندند.

در این روزهای حساس ابتدا در ششمین روز تیرماه، حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای که در آن برهه امام جمعه تهران بودند توسط گروهک فرقان ترور می‌شوند و یک روز بعد آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از یاران و صحابی خاص امام خمینی با بمب‌گذاری منافقین توسط فردی به نام کلاهی، از نفوذی‌های این گروهک در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت می‌رسند.

مردادماه همین سال نیز ملت برای دومین بار برای انتخاب رئیس‌جمهور پای صندوق‌های رأی می‌روند و این بار محمدعلی رجایی با رأی قاطع ملت رئیس‌جمهور می‌شود و رجایی نیز آیت‌الله باهنر را به‌عنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی می‌کند.

در روز دهم اعراس مجلس به کابینه آیت‌الله باهنر، منافقین دکتر حسن آیت، یکی از مخافان اصحاب ملی‌گراها، بنی‌صدر و نیز میرحسین موسوی، وزیر خارجه وقت را ترور و به شهادت می‌رسانند.

روزهای حساسی است و ملت و سلمان ایران در امتحانی سخت آب‌دیده می‌شود ...

ترور یک روز پس از خطبه‌های تاریخی

آیت‌الله خامنه‌ای ۵ تیرماه سال ۱۳۶۰ - حدود روز پس از برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری توسط امام در خطبه‌های تاریخی به افشاگری علیه رئیس‌جمهور معزول و نیز گروهک نفاق می‌پردازند.

آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه اول نماز جمعه ۵ تیر ۱۳۶۰ به گروهک‌ها پرداخته و تأکید کردند: «گروه‌هایی که به‌نام حمایت از خلق، جان مردم را تهدید می‌کنند از نظر ملت، تاریخ و اسلام محکومند. این گروه‌ها می‌خواهند اولاً با تبلیغات دروغ و اشاعه حرف‌های خلاف واقع، مردم را از اندیشیدن پیرامون حقایق مانع شوند؛ ثانیاً با مردم بی‌پناه روبه‌رو می‌شوند و ثالثاً به هدف‌های استکبار جهانی کمک می‌کنند».

آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به سران گروه‌ها از جمله منافقین گفتند: «من سوابق و ضعف‌های آنها را می‌دانم و خود آنها می‌دانند که ما به‌خوبی آنها را می‌شناسیم. شما خودتان را در تاریخ رسوا کردید و حرف‌های خود را تخطئه نمودید. چرا با گروه‌های ضد خدا همدم می‌شوید و با بیکاری‌ها و فداییان خلق که علناً ضد اسلام هستند در جریان‌های اخیر همدست می‌شوید؟ آیا این برخلاف قرآن و اسلام نیست؟»

اینان ادامه دادند: «شما ای مجاهدین خلق! مقابله خود را با دولت و حکومت اسلامی به حساب مقابله با ارتجاع می‌گذارید. ارتجاع با منطق چه کسی؟ منطق اسلام؟ در اسلام؟ ارتجاع در منطق اسلام یعنی ارتداد و شماها هستید که مرتد و مرتجعید نه ما!»

پاسخ منطق پولادین با ترور ادامه می‌شود ...

یک روز پس از این خطبه‌های تلویزیونی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، امام جمعه تهران که در مسجد ابوذر تهران مشغول به سخنرانی بود مورد سوء قصد قرار گرفته و به شدت زخمی می‌شود.

به دنبال این سوء قصد، گروه‌ها، افراد و جریان‌های بیابادی در پیام‌های جداگانه‌ای خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای ضمن آرزوی سلامت برای ایشان ترور را محکوم کردند. امام خمینی، بنیانگذار انقلاب نیز در پیامی خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: «اکنون دشمنان انقلاب با سوء قصد به شما که از سلاله رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه انقلاب می‌باشید، میزان تفکر سیاسی خود و طرفداری از خلق و مخالفت با

ستمگران را به ثبت رساندند».

در بخش دیگری از این پیام آمده بود: «اینان با سوء قصد به شما عواطف میلیون‌ها انسان متعهد را در سراسر کشور بلکه جهان جریحه‌دار نمودند. اینان آنقدر از بینش سیاسی بی‌نصیبند که بی‌درنگ پس از سخنان شما در مجلس و جمعه و پیشگاه ملت به این جنایات دست زدند، و به کسی سوء قصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد در گوش مسلمین جهان طنین‌انداز است»^۱.

و اما مصیبت بزرگ ...

۶- سه تیر ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمبی قوی در محل اجتماعات حزب جمهوری اسلامی، آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی، رئیس دیوان‌عالی کشور و بیش از ۱۰ نفر از مقامات و چهره‌های برجسته سیاسی از جمله چهار وزیر، چند معاون وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

بر اساس گزارش کیهان: «حدود ساعت ۲۱ امشب دو بمب بسیار قوی در محل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی منفجر شد که بر اثر شدت انفجار قسمت‌هایی از ساختمان فرو ریخت و موجب شهادت ده‌ها تن از مقامات مملکتی و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و چند تن از وزرا گردید»^۲. امام خمینی (ره) یک روز پس از این فاجعه در جمع گرامی از قضات دیوان‌عالی کشور به مناسبت فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی اظهار داشتند بهشتی مظلوم زیست.

ایشان تأکید کردند: «این را من کراراً گفته‌ام که مرحوم آقای بهشتی در این مملکت مظلوم زیست. تمام مخالفین اسلام و مخالفین این کشور حمله

۱- صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۵۰۳

۲- کیهان، ۸ تیر ۱۳۶۰، صفحه ۱

مستقیمشان را به ایشان و بعضی دوستان ایشان کردند. کسی را که من بیشتر از ۲۰ سال می‌شناختم و روحیاتش را مطلع بودم و می‌دانستم چه جور مرد صالحی و مرد به‌دردبخوری برای این کشور است، مخالفین او را در کوچه و بازار و محله و صحبت‌هایی که همه می‌کردند، آن‌طور جلوه دادند. یک مرد صالح را به‌صورت یک دیکتاتور درآوردند! و شما باید مهیا [ی] این جور مسائل باشد.^۱

امام خمینی «چنین در دیدار اقشار مختلف مردم ضمن تجلیل از مقام آیت‌الله شهید بهشتی اظهار داشتند: «ایشان را من ۲۰ سال بیشتر می‌شناختم. مراتب فضل ایشان، مراتب تفکر ایشان و مراتب تعهد ایشان بر من معلوم بود و آنچه که من راجع به ایشان متأسفم، شهادت ایشان در مقابل او ناچیز است و آن مظلومیت ایشان در این کشور بود».^۲

به‌دنبال انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شهادت آیت‌الله بهشتی، رئیس دیوان‌عالی کشور، امام خمینی می‌حکمی رئیس جدید دیوان‌عالی کشور و نیز دادستان کل کشور را منصوب کردند.

امام خمینی در احکام جداگانه‌ای آیت‌الله موسوی اردبیلی^۳ را به‌سمت رئیس دیوان‌عالی کشور و نیز آیت‌الله مهدی ربانی املش را به‌سمت دادستان کل کشور منصوب نمودند.^۴

دومین رئیس‌جمهور

اندکی پس از برکناری بنی‌صدر در دومین روز مردادماه سال ۱۳۶۰ مردم

۱- صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۵۱۵

۲- صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۵۱۸

۳- صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۵۱۲

۴- صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۵۱۳

مسلمان ایران برای دومین بار برای انتخاب رئیس‌جمهور پای صندوق‌های رأی می‌روند و شش روز بعد از انتخابات، نتایج نهایی اعلام می‌شود.

جمع کل آرای داخل و خارج از کشور: «۱۴ میلیون و ۷۲۲ هزار و ۴۲۹ رأی».

بر این اساس محمدعلی رجایی از مجموع آرای داخل کشور ۱۲ میلیون و ۷۰ هزار و ۵۰ رأی و از مجموع آرای خارج از کشور ۳۱ هزار و ۷۱۱ رأی به‌خود اختصاص داده و در مجموع با ۱۳ میلیون و یک هزار و ۷۶۱ رأی به‌عنوان دومین رئیس‌جمهور ایران اسلامی انتخاب شد.^۱

در همین روز بنی‌صدر، رئیس‌جمهور معزول، به‌همراه مسعود رجوی، سرکردهٔ منافقان از کثرت متواری می‌شوند.

نصیحت مشرک امام، بنی‌صدر و رجایی چه بود؟!

مراسم تنفیذ دومین رئیس‌جمهور ایران اسلامی ۱۱ مرداد همین سال با حضور مقامات کشوری و لشکری برگزار می‌شود.

در حکم تنفیذ محمدعلی رجایی که آن‌روز حضرت امام خمینی صادر شد آمده بود: «به‌رغم تبلیغات دشمنان خارج و داخل، با اکثریت قاطع افزون از دورهٔ سابق، جناب آقای محمدعلی رجایی آینده‌نگار الهی - را به ریاست جمهوری کشور اسلامی ایران برگزیده و این مسئولیت بزرگ را به‌سنگین را بر عهدهٔ او گذاشته است و چون مشروعیت آن باید با نصب فقهی امر باشد، این‌جانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به‌سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم و مادام که ایشان در خط اسلام عزیز و پیرو احکام مقدس آن می‌باشند و از قانون اساسی ایران تبعیت و در مصالح کشور و ملت عظیم‌الشان در حدود اختیارات قانونی خویش کوشا باشند و از فرامین

الهی و قانون اساسی تخطی ننمایند، این نصب و تنفیذ به قوت خود باقی است؛ و اگر خدای ناخواسته بر خلاف آن عمل نمایند، مشروعیت آن را خواهم گرفت و باید ایشان توجه داشته باشند و از عمل ملت دریافته باشند که ملت دلاور نیز رأی خود را بر این اساس به ایشان داده‌اند.^۱

اما خمینی همچنین در این مراسم طی سخنانی تأکید کردند: «من آنچه که لازم است به طور نصیحت به آقای رئیس‌جمهور و به همه دست‌اندرکاران جمهوری اسلام از لشکری و کشوری عرض کنم این است که آنچه که به سر انسان می‌آید از خبر رشر، از خود آدم است. آنچه که انسان را به مراتب عالی انسانیت می‌رساند کوشش خود انسان است و آنچه که انسان را به تباهی در دنیا و آخرت می‌کشد، خود انسان و اعمال خود انسان است».

امام امت در ادامه، تذکر خود به بنی‌صدر را خاطر نشان کرده و افزوده بودند: «امروز باید همان‌طور که در این باب رئیس‌جمهور سابق بعضی مطالب را تذکر دادم، به آقای رجایی هم تذکراتی بدهم که نصیحه مقام و ریاست هر چه باشد، این وقتی که نظر انسان یک نظر محدود دریایی شد این مقامات، انسان را از خودش بی‌خود می‌کند، اینها را مقام می‌داند».

امام خمینی در ادامه خطاب به رجایی تصریح کرده بود: «ما دیروز نخست‌وزیر بودید و پریروز وزیر بودید و قبل از او معلم بودید و بعد از او هم یک شاگردی بودید و بعد از این هم معلوم نیست کی از اینجا بروید. ممکن است خدای نخواستہ - همین حالا که بیرون رفتید و یا همین حالا یک بمبی اینجا باز منفجر بشود و فاتحه همه را بخواند. وقتی مطلب این است، چرا باید انسان قبل از ریاست‌جمهور و بعدش فرق بکند؟ مگر ریاست‌جمهور چه هست؟ کسی که دلش به نور توحید روشن است مگر عالم چه هست؟ همه

عالم چه هست»^۱؟

رجایی رئیس‌جمهور، آیت‌الله باهنر، نخست‌وزیر

دو روز پس از تنفیذ حکم رجایی توسط امام خمینی مجلس شورای اسلامی صبح ۱۴ مرداد در جلسه علنی خود با ۱۳۰ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۲۴ رأی ممتنع به نخست‌وزیری آیت‌الله محمدجواد باهنر رأی مثبت می‌داد.^۲

در همین روز حسن آیت، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به این نشست بی‌صدر، رئیس‌جمهور معزول، گروهک‌های ضدانقلاب چون منافقین و هم‌پیر برخی شخصیت‌ها از جمله میرحسین موسوی که به‌عنوان وزیر خارجه به مجلس معرفی شده بود از او عداوتی شدید به دل داشتند در مقابل منزلش توسط ضابطان به شهادت می‌رسد.^۳

دومین فاجعه بزرگ

هشت شهریورماه سال ۱۳۶۰ محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور و محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر، به‌همراه گروهی از اعضای هیئت دولت در انفجار دفتر نخست‌وزیری به شهادت رسیدند.

در پی انفجار بمب که گفته می‌شد در داخل یک کیف دستی جاسازی شده بود، قسمت‌هایی از طبقه اول و طبقه دوم ساختمان نخست‌وزیری در مجاورت خیابان پاستور دچار حریق شد و آتش و دود فضای محل انفجار را فرا گرفت. در این حادثه محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور و دکتر محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر و چند تن از مقامات مملکتی که در جلسه مذکور حضور داشتند

۱- صحیفه امام، جلد ۱۵، صفحه ۶۹

۲- مشروح مذاکرات مجلس، ۱۴ مرداد ۱۳۶۰

۳- اطلاعات، ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، صفحه ۲

به درجه رفیع شهادت نایل شدند و مجروحان حادثه با کمک مأموران و پرسنل نهادهای انقلابی به بیمارستان‌ها انتقال یافتند و تحت مراقبت‌های درمانی و پزشکی قرار گرفتند.

بر اساس گزارش مطبوعات، روز ۹ شهریور تعداد مجروحین و شهدا تا ساعت ۱۲ شب، ۸ شهید و ۲۳ مجروح گزارش شده بود.

پس از این فاجعه بزرگ گروهک نفاق به‌طور رسمی با انتشار اعلامیه‌ای مسئولیت انفجار نخست‌وزیری را بر عهده گرفت. این اطلاعیه در انگلیس و از سوی سازمان مجاهدین خلق منتشر شده است.

با این وجود، مورخ بوی سرکرده این گروهک تروریستی در اظهارنظری متناقض اظهار داشت: «حالا می‌گویند این کار، کار ما باشد!»

امام خمینی: «ابن ملجم را از اینها مردتر می‌دانم»

در پی شهادت محمدعلی ربیعی، رئیس‌جمهور و آیت‌الله باهنر، نخست‌وزیر، امام خمینی (ره) در دیدار گروه زیادی از اقشار مختلف مردم مسلمان و متعهد کشور تصریح کردند: «من ابن ملجم را از اینها مردتر می‌دانم. او در حضور مردم کار خودش را کرد و اینها مردانگی آن را ندارند». امام امت در ادامه افزودند: «قوای مسلح در جبهه‌ها توجس کردند که آنها برای خدا می‌جنگند نه برای رئیس‌جمهور، نه برای نخست‌وزیر و نه برای دیگران... منطلق ما، منطلق ملت ما، منطلق مؤمنین و منطلق قرآن است... با این منطلق هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابله کند. جمعیتی که ملتی که خود را از خدا می‌دانند، همه چیز خود را از خدا می‌دانند و رفتن از اینجا را به‌سوی محبوب خود، مطلوب خود می‌دانند، با این ملت نمی‌توانند مقابله کنند».^۱

۱- اطلاعات، ۱۰ شهریور ۱۳۶۰، صفحه ۲

۲- صحیفه امام، جلد ۱۵، صفحه ۱۳۹